



### دکتر نصرالله کلانتری

#### عضو هیأت علمی بیش از بیست سال سابقه: دانشکده علوم زمین

اینجانب نصرالله کلانتری در مرداد ماه ۱۳۳۵ در روستای تل سرکوه از توابع بخش سعدآباد شهرستان دشتستان متولد شدم. مرحوم پدرم فردی بسیار متدین، با سواد، از نظر اجتماعی بسیار روشنفکر، دارای اخلاقی ایده‌آل، مهمان نواز، صبور و تمکن مالی او نیز در آن محیط خوب بود. مرحوم مادرم مومن، زحمتکش، خانواده دوست، شجاع، فدا کار و طبع بسیار والایی داشت. پدر و مادرم هر دو از خانواده شناخته شده‌ای در محیط خودشان بودند. از نظر روانشناسان، شخصیت هر فردی متشکل از سه عامل مهم است که هر یک در انعقاد و تکون شخصیت تأثیر به‌سزایی دارد و گویی روحیات و صفات و طرز تفکر انسان همچون مثلثی است که از پیوستن این سه ضلع به یکدیگر پدید می‌آید. این سه عامل عبارتند از: ۱- وراثت ۲- آموزش و پرورش و ۳- محیط زندگی. ژن وراثتی و آموزش محیط خانوادگی در همه ما فرزندان خانواده تأثیر زیادی داشته است.

ایجاد سپاه دانش در سال ۱۳۴۱ و به‌کارگیری سربازان نظام وظیفه در آموزش کودکان مناطق روستایی سبب شد تا هر ساله تعداد بیشتری از کودکان لازم‌التعلیم تحت پوشش آموزش ابتدایی قرار گیرند و نیز تعداد بزرگسالان مشمول برنامه‌های سوادآموزی افزایش یابد. در سال ۴۲-۱۳۴۱ که اولین سال اجرای طرح سپاه

دانش است، هشتاد و پنج هزار نفر از کودکان سنین ۶ تا ۱۵ سال و شصت و پنج هزار نفر از بزرگسالان تحت پوشش آموزش قرار گرفتند. این ارقام در سال‌های بعد افزایش یافت و در سال ۱۳۵۶-۵۷ به بالاترین میزان یعنی ۷۰۶۲۷۱ نفر رسید. نکته قابل توجه آن که تعداد دانش آموزان و سوادآموزان دختر تحت پوشش برنامه‌های سپاه دانش در مدت اجرای طرح بین ۱۵ تا ۳۰ درصد در نوسان بوده‌است و به‌طور کلی در حال افزایش بوده‌است. همچنین در طی سال‌های ۵۸-۱۳۴۱، معادل ۳,۱ میلیون نفر از بزرگسالان زیر پوشش برنامه‌های سوادآموزی سپاه دانش قرار گرفته‌اند.

### تحصیلات متوسطه

در اکثر مناطق روستایی ایران مدرسه نبود، و این سپاهیان دانش نوری بودند که روستاها را روشن می‌کردند. مدرسه ابتدایی را برای مدت کوتاهی در همان روستای تل سرکوه در سال ۱۳۴۱ شروع کردم که اولین سپاهی دانش روستا آقای جمهیری بود و سن دانش آموزان از شش سال تا پانزده سال متغیر بود. بعد از مدت کوتاهی به علت شغل پدرم به یک روستای دیگر نقل مکان کردیم و برای مدت کوتاهی، سال اول دوره ابتدایی را در روستایی دیگر به نام شبانکاره که تقریباً نزدیک‌ترین روستا به محل زندگیمان بود و دارای مدرسه بود، ادامه دادم و سرانجام در همان سال در روستای بویری که تقریباً پنج کیلومتری محل اقامت ما بود، مدرسه افتتاح شد و دوره ابتدایی را زیر نظر معلم مدرسه سعادت آقای ریاضی ادامه دادم. مرحوم ریاضی در زنگ تفریح و در فصل سرما روی صندلی چوبی با آن شلوارمشکی و بلوز قهوه‌ای در آفتاب می‌نشست و اگر شاگردی شلوغ می‌کرد صدایش می‌کرد و وسط انگشتانش مدادی می‌گذاشت و کمی فشار می‌داد. مدرسه سال اول شامل دو اتاق خشتی کهنه ای بود که یکی از افراد محل در اختیار آموزش و پرورش گذاشته بود.

در همین سال مدرسه ای در حال ساخت بود و فکر کنم سال دوم ابتدایی را در مدرسه جدید شروع کردیم و دونفر سپاهی دانش که در آن سال ها در سرتاسر ایران موجب توسعه فرهنگ و دانش بودند و تدریس در مدرسه جدید را به عهده داشتند. هر چند که این مدرسه هم خشتی بود ولی تمیز بود و در همین مدرسه بود که

تغذیه رایگان شامل بیسکویت، موز و خشکبار ارابه می شد. ازاداره آموزش و پرورش شهرستان دشتستان (برازجان) مرتب به دبستان سر می زدند. در سال دوم ابتدایی، فرد متین، موقری با پالتویی کوتاه و مشکی رنگ به طور سرزده در کلاس مشاهده کردیم که بعداً گفتند رییس آموزش و پرورش شهرستان برازجان است. تا سال پنجم ابتدایی در همین مدرسه سعادت بودم و معلمان ما همین دو نفر سپاهی دانش بودند.

سال ششم ابتدایی را در مدرسه آپخش شروع کردم و تعداد زیادی معلم داشتیم و مدیر مدرسه آقای مندنی زاده بود. آقای شمسی زاده درس علوم اجتماعی را ارابه می کرد و خداوند رحمتش کند مردی بسیار با معرفت، با مرام و با شخصیتی بود و طبع شعر داشت و اشعار زیادی هم سروده است. مقبره او در شهرستان گناوه است و چون در مسیرم به برازجان است برای ادای احترام سر مقبره ایشان گاهی فاتحه ای می خوانم. آقای زهرایی ریاضیات و قرآن درس می داد، ورزشکار بود و پرش ارتفاع خوبی داشت. برای مدت زمان زیادی با ایشان در تماس بودم و در سال ۱۳۹۶ به رحمت ایزدی پیوست.

دوره متوسطه سه ساله را در دبیرستان شاه عباس کبیر گذراندم و مرحوم موسوی مدیر دبیرستان بود که فردی مذهبی و بسیار منضبط بود. در آن زمان که دبیران با لباس اسپورت و کراوات و فوکل های رنگارنگ ظاهر می شدند، ایشان لباس رسمی می پوشید و در اکثر اوقات رنگ کراوات آقای موسوی مشکی بود. دبیران بسیار با شخصیت و با سواد بودند، یکی از دبیران (آقای نجفی) دیپلم ادبی داشت ولی هندسه و یک درس دیگر ریاضی را به نحو مطلوبی ارابه می کرد. تحصیلات عالی را در رشته حقوق به اتمام رساند، مدتی قاضی بود و الان دفتر وکالت دارد. اکثریت بسیار زیادی از معلمان و دبیران افرادی متدین و پایبند به اصول اخلاقی و اجتماعی بودند و می توانستند الگوی بسیار خوبی برای دانش آموزان باشند. از دیگر دبیران که جا دارد از آنها یاد کنم آقای آریا (بعد از انقلاب رییس آموزش و پرورش شهرستان دشتستان شد)، آقای خزایی و عبدالهی بودند. از همکلاسی های دوره متوسطه که جمعاً حدود ۲۵ نفر بودند چهار نفر بعد از اخذ دیپلم به دانشگاه رفتند، که یکی از آنان ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر غلامحسین خواجه می باشند.

در دوره دبیرستان برای مدت کوتاهی، سال اول (کلاس دهم) را در دبیرستان فردوسی برازجان بودم و دبیران این دبیرستان زیاد بودند. آقای طالب آزاد رییس دبیرستان بود و آقای ادیب معاونش بود که بسیار منضبط و سخت گیر بود. دبیران با سواد بودند و خوش پوش. یاد ندارم به جزء درس بیولوژی و فارسی دبیری از جزوه

و کتاب استفاده کند. همه از حفظ درس می‌دادند. دبیر فیزیک و شیمی از نظر تدریس واقعاً استثنا بودند. یکی از دبیران که علوم اجتماعی درس می‌داد و اسمش را به خاطر ندارم بسیار خوش پوش بود و همیشه بند ساعتش با بقیه لباسش هم خوانی داشت. بعداً در دبیرستان شاپور شهرستان کازرون ادامه تحصیل دادم و مدیر دبیرستان مرحوم مظفری بود، فردی بسیار با شخصیت، موقر و معاونش فردی بسیار منضبط بود. مستخدم دبیرستان که آقا رضا نام داشت و هیکل تنومند و منحصر به فردی داشت تمام دبیرستان را کنترل می‌کرد و همه از او حساب می‌بردند. دبیران بسیار خوبی داشتیم یکی از آنها آقای دهقان که خان زاده‌ای بود شیمی را ارایه می‌کرد و دیگری آقای کمپانی که جبر و مثلثات را درس می‌داد بی نظیر بودند. در سال ۱۳۵۴ دیپلم طبیعی گرفتم با معدل ۱۷/۷۵ که در آن زمان معدل بسیار خوبی بود.

در مجموع معلمان و دبیران علاوه بر آموزش دروس معمول، درس زندگی را هم به شاگردان با رفتار و کردارشان می‌آموختند. هنوز حرف‌های آقای معراجی دبیر دوره متوسطه که با ایشان درس علوم اجتماعی و انشاء داشتیم و همچنین دبیر ادبیات فارسی دوره دبیرستان رابه خاطر دارم، چه انسان‌هایی بودند. هر چند که تربیت و فرهنگ انسان در محیط خانواده شکل می‌گیرد و به اصالت ایمان کامل دارم ولی محیطی (محیط آموزشی و غیرآموزشی) که در آن رشد می‌کنیم، بسیار مهم است. در کنکور همان سال شرکت کردم و مدتی در رشته علوم تغذیه و همچنین علوم آزمایشگاهی در اصفهان بودم و بعد از مدت کوتاهی ترک تحصیل کردم چون مایل به ادامه تحصیل در رشته دیگری بودم.

### خدمت نظام

در سال بعد به خدمت سربازی رفتم و دوره آموزشی را در سرمای منهای صفر درجه در پادگان آموزشی قزل حصار کرج گذراندم. فرمانده پادگان سرهنگ کامران (اگر اشتباه نکنم) فردی بسیار با فرهنگ و با معرفت بود. در مجموع انسان‌های شریفی در این پادگان بودند و گرچه ما سرباز بودیم ولی هیچ‌کس خاطره بدی از پرسنل کادر آنجا مشاهده نکردیم و همه با مهربانی رفتار می‌کردند. از آنجا که تا دوره سربازی زندگی دسته‌جمعی نکرده بودم در همین محل (پادگان) بود که احساس کردم، یک فرد باید تعامل بیشتری در زندگی داشته باشد و به قول شیخ بهایی به تربیت خانوادگی و اصالت افراد هم کم و بیش پی بردم که چقدر موثر است. در آنجا متوجه شدم

که انسانها چقدر منافع شخصی برایشان نسبت به منافع جمعی ارجعیت دارد. فرمانده گروهان ما ستوان دوم نوری بود و در همان موقع در دانشگاه تهران در رشته حقوق تحصیل می‌کرد. انسانیت و شخصیت را در هر برخوردش می‌توانستیم مشاهده کنیم. انسانهای با شخصیت در هر لباسی که باشند آن منش انسانی را بروز می‌دهند. بعد از دوره آموزش چند ماه به تهران آمدم و در خیابان ویلا (شهید نجات الهی) برای مدت بیش از یک سال و نیم خدمت سربازی را سپری کردم. در سال ۱۳۵۶ در کنکور شرکت کردم و در رشته پزشکی ارتش قبول شدم که باز هم میسر به ادامه تحصیل در رشته مورد علاقه‌ام نشدم. در دوره سربازی در تهران اوقات بسیار خوبی داشتم و حقوق دریافتی برای زندگی در تهران بسیار مناسب بود و مثل الان نبود که دریافتی یک افسر وظیفه پزشک و یا مهندس بسیار ناچیز است. در آن موقع هشتاد درصد حقوق هم رتبه افسر یا درجه‌دار کادر، به سربازان وظیفه افسر و درجه‌دار پرداخت می‌شد که حقوق خوبی بود.

### تحصیلات دانشگاهی

در سال ۱۳۵۷ تصمیم به ادامه تحصیل در خارج از ایران گرفتم و در جستجوی ادامه تحصیل در یک کشور اروپایی و یا آسیایی بودم. پذیرش از فرانسه و هندوستان گرفتم به امید اینکه بتوانم در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهم. وقتی بلیط را گرفتم به سفارت فرانسه در همین محل کنونی اش در ماه مارس ۱۹۷۸ بدون هیچ نوبتی مراجعه کردم، سر کار خانم محترمه جواب داد که نیازی به ویزا ندارید و به نانسو که پذیرش داری بروید و تا سه ماه نیاز نیست به جایی مراجعه بکنید بعد از سه ماه به پلیس برای اقامت مراجعه کن. در مجموع از صبح تا ظهر وضعیت ویزا، گرفتن بلیط و تبدیل ارز (فرانکی ۲۸ ریال) به اتمام رسید. چون در تهران بیکار بودم روز بعد به سفارت هندوستان در خیابان صبا شمالی (فلسطین کنونی) مراجعه کردم اطلاعاتی بگیرم. اکبر آقا که مسلمان و اهل هندوستان بود و فارسی هم به خوبی صحبت می‌کرد به گرمی پذیرایی کرد و تعریف تمجید از هندوستان و دانشگاه‌های آنجا کرد و نمرات ترجمه شده دوره دبیرستان و پاسپورتم را برانداز می‌کرد. در آخر، که برای چای و توضیحات تشکر کردم، گفت ویزای هندوستان را بگیر. مهری در پاسپورت زد و در اتاق بغل رییس هم فوری امضاء کرد (جمعاً برای تایید مدارک و ویزا سی تومان پرداخت کردم) در فرانسه برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی باید لیسانس در رشته علوم تجربی داشته باشی و بعداً

امتحان دارد و اگر قبول شدی می توانید در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهید. وقتی با چنین شرایطی برای ادامه تحصیل در فرانسه مواجه شدم ترجیح دادم برای ادامه تحصیل به هندوستان بروم.

این توضیحات را در مورد ویزای این دو کشور دادم تا تفاوت آن سالها با وضعیت کنونی بیشتر روشن شود. چند سال قبل برای شرکت در کنفرانسی در شهر بسان کان در فرانسه صبح هشت به همین سفارت فرانسه در خیابان نوفل لوشاتو مراجعه کردم. آن روز که نوبت نشد همان روز ساعت ده شب رفتم اسم نویسی کردم و تا صبح توی صف ماندم (همراه با یکی از همکاران دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور) و حدود ده صبح روز بعد نوبت اینجانب شد که وارد شوم و بعد از گذر از دو گذر گاه سلول مانند و انگشت نگاری و عکس قرنیه چشم بعد از دو هفته تلفنی گفتند بیا پاسپورت را بگیر ویزا داده نشده است (ریجکت شده). ویزای ریجکتی هم درد سر خاص خودش را دارد و مراجعه به سفارت کشورهای دیگر مخصوصاً اروپایی برای ویزا را مشکل می کند (که لازم به توضیح بیشتر نیست). چندین سال قبل برای رفتن به هندوستان به سفارت این کشور که الان در خیابان شهید بهشتی، خیابان میر عماد، خیابان نهم است مراجعه کردم برای ویزا، نه خبری از اکبر آقا و چایش بود و نه مهرش در دسترس بود، حتی در سفارت هم بسته بود. ازدحامی در کوچه ای جمع شده بودند و پنجره ای به اندازه کاغذ آچاری باز و بسته می شد و در زیر پنجره بلوکی بود که باید روی آن می رفتی تا بتوانی با فرد پشت پنجره دو کلمه حرف بزنی و فوری پنجره بسته می شد تا فرد بعدی روی بلوک رود.

### ادامه تحصیل در هند

در یکم ماه می ۱۹۷۸ (روز جهانی کارگر)، وارد فرودگاه بمبی (ممبی) شدم و از آنجا به دهلی رفتم. در مدت یک سال تمام به اقصی نقاط هند برای رشته پزشکی تلاش کردم و هم زمان پیش پزشکی را در دانشگاه اودی پور (Udaipur) ایالت راجستان گذراندم و باز هم موفق به پذیرش رشته پزشکی نشدم. با معرفی نامه از سفیر وقت ایران (اقای مجتهدی) در هندوستان به سفیر بنگلادش در دهلی و سفیر وقت ایران در بنگلادش مراجعه کردم. ایشان هم با توجه به مشکلات موجود عذرخواهی کردند و بعد از دو ماه اقامت در داکا دوباره به هندوستان برگشتم و در همین رشته علوم که سالها پیش در ایران می توانستم بخوانم ادامه دادم. باید به تقدیر

ایمان داشت و تقدیر را شاید نتوان با تدبیر تغییر داد و هر چه حکمت اوست باید پذیرفت. البته معتقدم انسان باید تلاش کند اگر هم موفق نشود وجدانش راحت است که زحمتش را کشیده و مقدر نبوده است.

در سال ۱۳۵۹ دوره لیسانس زمین شناسی را شروع کردم و در سال ۱۳۶۳ در رشته زمین شناسی فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۶۳ دوره فوق لیسانس را شروع کردم و در سال ۱۳۶۵ فارغ التحصیل شدم و در همان سال شروع به دوره دکتری در رشته زمین شناسی گرایش آب شناسی کردم و در سال ۱۳۶۹ مدرک دکتری را گرفتم. در دوره لیسانس استادان زیادی داشتم و همه هم با سواد بودند، ولی دو نفر از آنها که با در دست داشتن فقط عنوان مطالب، درس می دادند یکی آقای دکشیت (Dexit) و دیگری آقای عمرجیکا (Omarjika)، بودند. همه آنها انسانهای شریف و با شخصیتی بودند مخصوصاً عمر جیکا که همیشه مواظب بود اگر مشکلی دانشجویان خارجی دارند در اسرع وقت بر طرف شود. در دوره کارشناسی ارشد استادان اکثراً خوب بودند ولی اخلاق و منش آقایان زامبره (Zambre) و فانسال کار (Phansalkar) بسیار عالی بود.

استاد راهنمایم در دوره کتری شخص بسیار بزرگواری پروفیسور تیگله (Thigale) در دانشگاه پونا بود و استاد مشاورم آقای پروفیسور پووار (Powar) بود، که بعداً رییس دو دانشگاه شد و اخیراً هم رییس دانشگاه پونا است. مدیر گروه زمین شناسی دانشگاه پونا برای سال ها پروفیسور پادوردان (Patwardhan)، بود و در تمام طول دوران تحصیلم فقط دو بار به دفتر ایشان مراجعه کردم، چون همه امورات خود به خود انجام می شد و نیازی نبود که مراجعات مکرری شود. آنهایی که با فسیل شناسی سر و کار دارند می دانند که یکی از سخت ترین درس ها در زمین شناسی که کاملاً درس حفظ کردنی است این درس می باشد. آقای فانسال کار بدون نت هم درس می داد و اشکال فسیل ها را رسم می کرد و قسمت های مختلف فسیل را می نوشت و تشریح می کرد. یاد همه آنان بخیر. به استثنای برخی مشکلات مقطعی، که اجتناب ناپذیر است، در مجموع در مدتی که در هندوستان بودم اوقات بسیار خوبی داشتم. بعد از سال ۱۳۶۹ که آمده ام ایران چند بار فرصت داشتم که به هندوستان بروم و تعدادی از اساتید و همکلاسی ها را ببینم. هر وقت آنجا رفتم خیلی محبت کرده اند، مخصوصاً استاد راهنما و مشاورم و الان هم با آنها در تماس هستم.

شاید ذکر این مطلب جالب باشد که در دوره کارشناسی در دانشگاه های هندوستان اساتید یک درس نه سؤال آن درس را طرح می کنند و نه ورقه را تصحیح می کنند، بلکه طرح سئوالات و تصحیح اوراق توسط

اساتید گروه دیگری و در دانشگاه دیگری انجام می شود، ولی دانشجویان به نحو بسیار مطلوبی حرمت اساتید را دارند. در آنجا استاد راهنما، مخصوصاً در دوره دکتری همه کاره است و در هر زمانی قبل از دفاع، اگر از عملکرد دانشجوی راضی نباشد به راحتی عذرش را می خواهد.

## استخدام در دانشگاه

در دی ماه سال ۱۳۶۹ با مرتبه استادیاری وارد گروه زمین شناسی دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز شدم، در این زمان جناب آقای دکتر نادران رییس دانشگاه بودند. محبت ایشان همیشه در خاطر من است، چون وقتی به ایشان برای استخدام مراجعه کردم دستور دادند که کارم در کوتاه ترین زمان ممکن انجام شد. امیدوارم همه افرادی که وقتی برای مدتی در مسند قدرت هستند به درخواست مراجعان اهمیت بدهند که همیشه سپاسگزار فردی باشند که از حق آنها دفاع کرده اند. لازم می دانم یادی از آقای دکتر حیدری نژاد معاون محترم آموزشی آن زمان دانشگاه شهید چمران اهواز کنم که چهره‌ای شاخص بود و حیف شد که از دانشگاه رفت. فردی بسیار با سواد، با معرفت و خوش بیان. وقتی برای مسکن به ایشان مراجعه کردم با رویی گشاده ایشان نیز لطف کردند و مسکن زیتون و کوی استادان را پیشنهاد دادند و خودشان گفتند کوی بهتر است. آقای دکتر حیدری نژاد بنیان‌گذار استفاده از کامپیوتر در سیستم آموزشی دانشگاه شهید چمران می‌باشند. البته مدت کوتاهی به اتفاق آقای دکتر فیروزی (گروه جغرافیا) و تعداد دیگری از همکاران در مهمانسرا بودم و برخورد شایسته آقای راضی نژاد مسئول مهمان سرا را هم باید ذکر کنم. در سال ۱۳۸۰ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۷ به مرتبه استادی ارتقا یافتیم.

## تحولات دانشکده علوم زمین

در زمان انقلاب، تمام اعضاء هیات علمی گروه زمین شناسی که الحاق افراد بسیار شایسته ای بودند، رفته بودند و عملاً گروه زمین شناسی تعطیل شده بود ولی پس از انقلاب به همت بعضی همکاران مثل دکتر عبدالهی، دکتر چرچی و مرحوم مهندس عباسف با حدودی فعال شده بود. در بدو ورودم به گروه زمین شناسی فقط یک دکتر در گروه بود و بقیه همکارانم مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد داشتند و جمعاً هفت نفر بودند. بعد از شروع همکاریم در گروه، سه نفر از تحصیل کرده‌های دانشگاه‌های هندوستان جذب شدند و هر



کدام از آنان موجب فعالیت چشمگیر و بیشتری در گروه زمین شناسی شدند. در سال ۱۳۷۲ هیچ استاد مدعوئی نداشتیم و تمام دروس در دوره کارشناسی را ارایه می کردند. در سال ۱۳۷۶ اولین دوره کارشناسی ارشد در گرایش آب زیرزمینی در گروه زمین شناسی راه اندازی شد. در سالهای بعد به ترتیب دوره های کارشناسی ارشد نفت، تکتونیک، زمین شناسی اقتصادی، سنجش از دور و محیط زیست راه اندازی شد. در سال های بعد دوره های دکتری در گرایش های آب زیرزمینی، نفت، زمین شناسی اقتصادی و سنجش راه اندازی گردید. در سال ۱۳۸۹ گروه زمین شناسی تبدیل به دانشکده علوم زمین شد و از محدود دانشکده های به این نام در ایران می باشد (فقط دو دانشکده علوم زمین در ایران است). در سال ۱۳۹۸ در دانشکده علوم زمین، گروه زمین شناسی نفت و حوضه رسوبی نیز راه اندازی شده است. در مجموع هفت دوره کارشناسی ارشد و چهار دوره دکتری در دانشکده علوم زمین است. در حال حاضر دانشکده علوم زمین ۲۰ هیات علمی دارد (پنج استاد، سه دانشیار و دوازده استادیار). دانشکده علوم زمین با دو دانشگاه اروپایی (اتریش و اسلونی) تفاهم نامه همکاری دارد.

جا دارد از همکارانم در دانشکده علوم زمین سپاسگذاری کنم و علیرغم ناملایماتی که در بعضی مواقع وجود داشت، ولی در مجموع تعامل خوبی داشتند، مخصوصاً آقای دکتر چیت سازان و دکتر چرچی. آقای دکتر چرچی در بدو ورودم نسبت به اینجانب بسیار محبت کردند و با توجه به اینکه غیر بومی بودم در اوایل شروع به کارم همیشه پشتیبانی می کردند. اکثر اوقات در اتاق کوچک مرحوم مهندس عباسف جمع می شدیم و به صحبت هایش که آموزنده بود گوش می دادیم. یاد دوستان و همکاران باز نشسته مثل دکتر پورکاسب، مهندس نمکی قدیم و سینای کنونی که همیشه خون سرد بود، آقای مهندس منصور که در دانشکده و در بازدیدهای صحرائی اوقات خوبی با ایشان داشتیم و دکتر عبدالهی که زحمات زیادی با مهندس عباسف برای تشکیل گروه زمین شناسی کشیدند بخیر و نیکی. همکار بسیار خوبم آقای دکتر حمید بدری که چندین سال در دوره دانشجویی در مقطع فوق لیسانس و دکتری در هندوستان هم کلاس بودیم، برای چندین سال در گروه زمین شناسی همکارم بود ولی خیلی زود رهسپار دیار غربت شد و از ما جدا شد یادش بخیر، فرد بسیار لایقی بود و واقعا قباى استادی دانشگاه از نظر علمی و شخصیتی به تنش می آمد. آقای دکتر علیزاده، دکتر رنگزن و دکتر بدری همه تحصیل کرده های هندوستان بودند که بعد از ورودم به دانشکده جذب شدند و هر کدامشان

سهمی در تحول دانشکده علوم زمین داشتند (هر چند که بقیه همکارانم نیز سهیم بوده اند)، و در اینجا لازم می‌دانم از درایت آقایان دکتر نادران، دکتر ضرغام و دکتر حیدری نژاد قدردانی کنم. همکاران جوان و تازه نفسی در دانشکده علوم زمین استخدام شده اند، ضمن آرزوی توفیق از خداوند منان، انتظار می‌رود که منجر به توسعه و تحول بیشتر در دانشکده علوم زمین شوند. یکی از آفت‌های هر جامعه‌ای زیاده‌خواهی و عدم رعایت حقوق دیگران می‌باشد. این آسیب البته در گروه‌های آموزشی نیز دیده می‌شود. بنابراین، احترام به حقوق دیگران باعث آرامش محیط کار و زندگی و کلید پیشرفت هر جامعه‌ای است.

سه کارمند وظیفه شناس، کاردان، مسئولیت پذیر، مودب و مقید در دفتر گروه زمین شناسی فعالیت داشتند (از سال ۱۳۶۹-۱۳۹۶)، به نام‌های خانم یآوری، خانم کیا و خانم موسوی، لازم است که از خدمات آنان مخصوصاً خانم کیا قدردانی کنم. همه انسان‌ها می‌توانند خصوصیات یادشده را داشته باشند، در صورتی که مافوق در محیط کار نیز دارای همین خصیصه‌ها باشد و بتواند الگویی برای کارمند باشد و نیز تسلط به امور داشته باشد. یکی از مشکلاتی که در مواردی مشاهده می‌شود، عدم قبول رئیس‌ان توسط کارمندان است، که گاهی اوقات حق هم دارند. همه انسان‌ها از کرامت و شرافت ذاتی برخوردارند، و محیط باید موجب تبلورش شود.

اساتید پیش کسوت در هر صنفی سرمایه ارزشمندی هستند و در دانشگاه با اخلاق و رفتارشان می‌توانند الگویی بسیارسازنده برای دیگران باشند. با توجه به اینکه در سال دوم شروع به کارم در دانشگاه، مدیر امور پژوهشی و مسئول همکاری‌های بین الملل دانشگاه بودم و در خدمت معاون محترم پژوهشی دانشگاه جناب آقای دکتر شفاعی و روسای محترم دانشگاه جناب آقای دکتر نادران و جناب آقای دکتر ضرغام بودم، این افتخار را داشتم که با خیلی از همکاران دانشگاهی در جلسات آشنا شوم و از آنها کسب فیض نمایم. هر چند که از اساتید پیشکسوت در حد توانم اندوخته‌ای دارم و در دانشگاه زیاد هستند که از لطف همه آنان سپاسگذارم، ولی وظیفه خود می‌دانم از دکتر کرم زاده (دانشکده ریاضی)، سرکار خانم دکتر پور رضا، دکتر ترسلی، دکتر جعفر پور، دکتر کوتی، دکتر معاضدی، (دانشکده علوم)، دکتر شفاعی (دانشکده مهندسی علوم آب)، دکتر امامی و مرحوم دکتر ظفری (دانشکده ادبیات)، دکتر پاک سرشت و دکتر معرف زاده (دانشکده علوم تربیتی)، تشکر و قدردانی کنم. از آقای دکتر دادخواه که به طور مرتب در همه ابعاد دانشگاه فعالیت‌های زیادی دارند و صادقانه وقت می‌گذارند صمیمانه باید تشکر و قدردانی کنم. از همکاری آقای دکتر بهنیا

(همکار بازنشسته) و دکتر کاشفی پور (دانشکده مهندسی علوم آب) که در کنفرانس مهندسی رودخانه مساعدت کردند و استاد راهنمایم در دوره دکترا و استادم در فرصت مطالعاتی (دکتر اریک) از دانشگاه ادلید استرالیا را به ایران دعوت شدند و توانستم چند روزی در استان های خوزستان، فارس و اصفهان همراه آنها باشم و با خاطره‌ای خوب ایران را ترک کنند، کمال تشکر را دارم.

به همه همکارانم، مخصوصاً جوان ها توصیه می کنم سعی کنند نسبت به همکاران و جامعه ای که در آن زندگی می کنند تعامل داشته باشند، چون ثمره نیکی ماندگار است. گرچه متولد خوزستان نیستم ولی با توجه به اینکه سی سال در اینجا هستم وابستگی و محبت خاصی به دانشگاه شهید چمران اهواز و خوزستان دارم.

### فعالیت های آموزشی و پژوهشی

۱- اولین دوره کارشناسی ارشد در گروه زمین شناسی در گرایش آب زیرزمینی را به سختی (به جهت تعداد کم هیات علمی) و با همکاری دکتر کشکولی، دکتر سامانی و دکتر بهنیا از دانشکده های متفاوت، در سال ۱۳۷۶ راه اندازی کردم.

۲- در گرایش آب شناسی دوره دکتری همکاری کردم.

۳- بیش از دویست مقاله در سمینار های داخلی و ۱۸ مقاله در کنفرانس های بین المللی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۶

۴- بیش از پنجاه مقاله در مجلات معتبر داخلی

۵- بیش از بیست مقاله در مجلات معتبر بین المللی

۶- یک کتاب ترجمه (هیدروژئولوژی صحرائی) و دو تالیف (مقدمه ای بر آب های زیرزمینی و مبانی شیمی آب

(

۷- استاد راهنمای بیش از صد پایان نامه کارشناسی ارشد

۸- استاد راهنمای ده دانشجوی دکتری

۹- بیش از ده طرح تحقیقاتی استانی و ملی

۱۰- سه مرتبه در هفته پژوهش و دو بار هم از نظر آموزشی لوح تقدیر دریافت کردم

۱۱- دو دوره متوالی (سال ۱۳۹۶-۱۳۹۹) نماینده دانشکده علوم زمین در هیات ممیزه دانشگاه شهید چمران اهواز و چندین سال عضو کمیسیون ارتقا بوده ام.

۱۲- عضو هیات تحریریه چند مجله علمی

۱۳- عضو انجمن های علمی داخلی و خارجی (۱۹۹۳-۲۰۱۵)

۱۳- ده سال نماینده دانشگاه شهید چمران اهواز در شورای پژوهشی سازمان آب و برق خوزستان (از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲)

### سوابق اجرایی

۱- مدیر پژوهشی، همکاری های بین المللی دانشگاه و مسئول چاپ و انتشارات دانشگاه از سال ۱۳۷۱-۷۴

۲- مدیر گروه زمین شناسی از سال ۱۳۷۴-۱۳۷۶

۳- معاون پژوهشی دانشکده علوم زمین از سال ۱۳۹۲-۱۳۹۷

۴- رییس دانشکده علوم زمین از شهریور ۱۳۹۷

فرصت مطالعاتی در دانشگاه ادلید استرالیا بودم لازم می دانم از استاد بزرگوار دکتراریک تشکر نمایم.

همسرمد دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته محیط زیست است و دارای سه فرزند هستم دو پسر و یک دختر هر سه در رشته های پزشکی فارغ التحصیل شده اند. پسر نعمت و دختر رحمت خداوندی است.

پسر بزرگم به نام هومن کلانتری متولد آبان ماه ۱۳۶۶ است و بعد از اتمام دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی وارد دانشکده پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز شد و بعد از خدمت نظام وظیفه و اشتغال در مراکز بهداشتی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران برای تخصص چشم پزشکی پذیرفته شد و الان مشغول می باشد.

پسر کوچکم به نام نعمت اله (اسم پدرم) کلانتری متولد بهمن ماه ۱۳۶۸ است و بعد از اتمام دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی در رشته داروسازی دانشکده داروسازی دانشگاه شیراز پذیرفته شد و بعد از خدمت نظام وظیفه در داروخانه مشغول به کار می باشد.

دخترم به نام فروغ کلانتری متولد اردیبهشت ماه ۱۳۷۴ است و بعد از اتمام دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی وارد دانشکده داروسازی دانشگاه جندی شاپور اهواز شد و بعد از اتمام طرح در دانشگاه جندی شاپور اهواز، مشغول به کار در داروخانه می باشد.

در این مدت که در دانشگاه شهید چمران بودم فرصتی داشتم که به جاهای مختلفی بروم، هر چند که هیچ جایی مثل وطن و سرزمین مادری نمی شود، ولی رفتار جامعه هندوستان از دانشگاهی و عموم مردم همیشه در خاطر من است. در استرالیا هم اوقات بسیار خوبی با خانواده داشتیم، هر چند که آنها هم عمدتاً سفید پوست هستند ولی احساس می کنم که رفتار آنها با دیگر جوامع سفید پوست نسبت به رنگین پوستان متفاوت است، و فرهنگ متفاوتی دارند که قابل تقدیر است، هر چند که رفتار آنها هم در قدیم با بومیان آنجا مناسب نبوده است.

انسان وقتی احساس کند که پشتیبانی دارد در برابر سختی ها بیشتر مقاوم است، پشتیبانی والدینم که مدیون زحمات آنان هستم همیشه مدنظر من می باشد و همچنین از همسر و فرزندانم که موجب دلگرمی در زندگی هستند، سپاسگزارم. پشتیبان دایمی و واقعی و گره گشای حقیقی احد لایزال است.